

کلیات سعدی

به اهتمام
محمد علی فروغی

www.ketab.ir

بمقدمه‌ای از
محمد افشین و فایمی



- سعدی، مشرف‌الدین مصباح بن عبدالله، ۶۹۱ ق. Sa'dī, Mušrif al-Dīn Mušlih ibn 'Abdullāh
کلیات
عنوان و نام پدیدآور
عنوان و نام پدیدآور / به اهتمام محمدعلی فروغی.
مشخصات نشر
تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۳.
۱۳۸۰ ص.
مشخصات ظاهری
این کتاب از روی چاپ کتابخانه بروخیم ۱۳۲۰ نسخه برگردان شده است.
یادداشت
مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی دکتر محمود افشار؛ ۳۲۲، گنجینه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۱۱۵.
فروست
شابک
۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۵۰-۵
وضعیت فهرست‌نویسی
فنی
موضوع
شعر فارسی -- قرن ۷ ق.
موضوع
Persian Poetry -- 13th Century
موضوع
نثر فارسی -- قرن ۷ ق.
موضوع
Persian Prose Literature -- 13th Century
شناسه افزوده
فروغی، محمدعلی (ذکاءالملک)، ۱۲۵۶-۱۳۲۱، گردآورنده.
شناسه افزوده
Foroughi, M.A.
رده‌بندی کنگره
PIR۵۲۰۰
رده‌بندی دیویی
۸۱/۳۱
شماره کتابشناسی ملی
۸۹۰۶۵۵۹



مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۱۱۵]

مجموعه زبان و ادبیات فارسی دری

www.ketab.ir



هیئت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبایی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفایی (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



کلیات سعدی

این کتاب از روی چاپ کتابخانه بروخیم ۱۳۲۰ نسخه برگردان شده است.



محمّد علی فروغی

مفید افشین وفایی

صدف افشین

کاوه حسن بیگلری

صدف

مهناز نو

فرد

۲۲۰۰ نسخه

۱۴۰۳

خط روی جلد

گرافیسست، طراح و مجری جلد

لینوگرافی

چاپ متن

صحافی

شمارگان

چاپ اول

انتشارات دکتر محمود افشار

ناشر

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف‌نسب، کوی دبیر سیاقی (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ - دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵ - ۶۶۹۵۳۸۰۴ - دورنما: ۶۶۴۰۵۰۶۲

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵ - ۶۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولید

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی
دکتر زاله آموزگار - دکتر احمد میر (بازرس) - ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

هیئت مدیره (منتخب شورای تولید)

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس) - دکتر محمد اسلامی (نایب رئیس)
دکتر محمد افشین (نایب) - حمیدرضا رضایزدی (خزانه دار) - یوسف یعقوبی (دبیر)

درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منسوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار - مهندس نادر افشار
بهروز افشار یزدی - سید محمود دعایی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیئت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر حواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی
دکتر یحیی مهدوی - دکتر علی محمد میر - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد علمی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابراین کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و شریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت نامه دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمتهای مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت نامه دهخدا و محل مؤسسه باستان شناسی به طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق ماده دوم برای اجرای مقاد وقفنامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق ماده ۳ موافقت نامه نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیته انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی اداره امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است، از طرف واقف نیز به عضویت کمیته نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

هفتم

چون نگارنده این سطور به واسطه کبر سن (ششمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را به انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همه ایرانیان است می باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هریک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی

آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی

مستوفی

تکمله سوم

کتابی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می‌شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه‌هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می‌شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه‌هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در بر داشته، کتابی که بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی و حکایت از رواج زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه‌آمیز و روش‌ها و سیاست‌های فتنه‌انگیز داشته باشد با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ‌نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بسیار دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می‌توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً تعیین می‌شود آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان‌نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می‌شود باید منزّه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران‌شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتم که مبادا چنین رسالاتی سال‌ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری‌ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می‌باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد: ان شاء الله.

تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفاظیه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی آلمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن دروغی را بجا نخرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم. برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

فهرست مطالب

درآمد (محمد افشین وفایی) هفده

پیوستها چهل و پنج

فهرست نسخ خطی مبنای تصحیح چهل و هفت

نمونه‌ای چند از تصاویر نسخ خطی مبنای تصحیح چهل و هشت

منتخبی از اسناد وزارت معارف درباره چاپ گلستان و بوستان شصت و شش

رسائل نثر ۱

کتاب نصیحة الملوک ۳

رساله در عقل و عشق ۲۸

در تربیت یکی از ملوک گوید ۳۴

مجالس پنجگانه ۳۸

مجلس اول ۳۸

مجلس دوم ۴۳

مجلس سوم ۴۹

مجلس چهارم ۵۳

مجلس پنجم ۶۰

تقریرات ثلاثه ۷۱

سؤال خواجه شمس الدین صاحب دیوان ۷۱

ملاقات شیخ با آقا ۷۴

حکایت شمس الدین تازیگوی ۷۶

۷۸.....	مقدمه «بیستون» بر کلیات شیخ سعدی
۸۲.....	در تقریر دیباچه

گلستان

۹۱.....	مقدمه
۹۵.....	دیباچه
۱۰۷.....	باب اول: در سیرت پادشاهان
۱۱۹.....	باب دوم: در اخلاق درویشان
۱۶۰.....	باب سوم: در فضیلت قناعت
۱۹۴.....	باب چهارم: در فوائد خاموشی
۲۲۱.....	باب پنجم: در عشق و جوانی
۲۲۸.....	باب ششم: در ضعف و بیماری
۲۵۲.....	باب هفتم: در تأثیر تربیت
۲۶۰.....	باب هشتم: در آداب صحبت
۲۸۳.....	نسخه‌بدهای مهم
۳۱۴.....	فهرست نامهای خاص
۳۲۰.....	غلط‌نامه
۳۲۴.....	

بوستان

۳۲۵.....	مقدمه
۳۲۹.....	دیباچه
۳۳۷.....	باب اول: در عدل و تدبیر و رای
۳۵۰.....	باب دوم: در احسان
۴۰۵.....	باب سوم: در عشق و مستی و شور
۴۳۶.....	باب چهارم: در تواضع
۴۵۸.....	باب پنجم: در رضا
۴۸۹.....	

۵۰۲	باب ششم: در قناعت
۵۱۳	باب هفتم: در عالم تربیت
۵۴۱	باب هشتم: در شکر بر عافیت
۵۵۷	باب نهم: در توبه و راه صواب
۵۷۷	باب دهم: در مناجات و ختم کتاب
۵۸۴	لغاتی از بوستان
۵۸۶	توضیح چند بیت از بوستان
۵۸۷	فهرست نامهای خاص
۶۰۰	غلط نامه

غزلیات

۶۰۱	مقدمه
۶۰۳	غزلیات
۶۱۵	ترجیعات
۹۷۳	قطعات
۹۸۸	رباعیات
۹۹۲	ملحقات
۱۰۱۴	ابیات ساقط
۱۰۲۸	مفردات
۱۰۲۹	تجدید نظر
۱۰۳۰	شرح بعضی از لغات
۱۰۳۳	نامهای خاص
۱۰۳۶	غلط نامه
۱۰۳۹	

مواعظ

۱۰۴۱	مقدمه
۱۰۴۳	

۱۰۵۲.....	صفحه‌ای از شرح حال شیخ مشرف‌الدین مصلح سعدی شیرازی
۱۰۵۳.....	قصاید فارسی
۱۱۳۳.....	مراثی
۱۱۴۳.....	قصاید عربی
۱۱۶۵.....	غزلیات
۱۲۰۱.....	مثلثات
۱۲۰۴.....	قطعات
۱۲۴۷.....	رباعیات
۱۲۵۵.....	مثنویات
۱۲۶۷.....	مفردات
۱۲۷۴.....	ملحقات
۱۲۷۴.....	قصاید
۱۲۷۸.....	غزلهای عرفانی
۱۲۸۰.....	قطعات
۱۲۸۳.....	تصحیح لازم
۱۲۸۵.....	معنی بعضی از لغات
۱۲۸۷.....	فهرست نامهای خاص
۱۲۹۱.....	غلط‌نامه

درآمد

شعر فارسی قرن‌هاست که معرّف ایران و ایرانی در نزد تربیت‌یافتگان و ارباب فهم ملل دیگر است و هنوز کشور ما را و فرهنگ ما را در دنیا بیشتر با نام فردوسی و خیّام و نظامی و مولانا و سعدی و حافظ می‌شناسند. این شاعران یقیناً از بنیانهای فرهنگ ایرانند و از قرن‌ها پیش تا کنون ستونهای استوار زبان فارسی، که خود ریسمان اتحاد ایرانیان است، به شمار می‌آیند. شیفتگی ایرانیان به آثار طبع این شاعران، خواه از حیث لفظ و خواه از روی معنی، تا به حدّی بوده است که شاعران عام و شریف و وضع را همواره میل خاطر به جانب سخنان دلکش ایشان بوده و درست به همین دلیل، یعنی از فرط اقبال همگانی در طیّ قرون متمادی، این کتب بیش از سایر منظومه‌ها و دیوان‌ها در معرض تغییر و تصرّف عمدی و غیر عمدی قرار داشته‌اند. نهایتاً آنچه از آن مصنّفات مقارن ورود صنعت چاپ به ایران و امکان نشر گسترده کتاب در دست ایرانیان بود دیگر از آن چیزی که ساخته و پرداخته شخص شاعر بود فاصله بسیار داشت.

اندکی بعد از انقلاب مشروطه و پس از آنکه ادبای ایرانی مأنوس به سنن تصحیح متن در جهان اسلام با موازین غربی این فن آشنایی گرفتند، نشر پاکیزه و صحیح متون فارسی بدل به مشغله ذهنی رجال فرهنگی و تجدّدخواه ایران شد و جمع قابل توجهی از ایشان دست به کار تصحیح و تنقیح امّهات این متون بردند. در شکل‌گیری این جریان علل متعدّدی را می‌توان دخیل شمرد که از آن میان امکان نشر وسیع و نسبتاً ساده کتاب، احیای فرهنگ ملی و بزرگ داشتن مفاخر ادبی کشور و نیز اهمّیت یافتن آموزش و پرورش نوین

از همه پررنگتر بود. تصحیح محمدعلی فروغی از کلیات شیخ اجل سعدی شیرازی محصول چنان زمانه و چنان تفکرات ترقی خواهانه است. فروغی و همفکرانش شناخت هویت ملی را لازمه وارد شدن ایران به عالم تجدّد می دیدند و احیاء و اشاعه مظاهر ملی را وجهه همت خود و دولت قرار داده بودند. کوشش و نقش مؤثر فروغی در تأسیس نهادهای فرهنگی وقت مانند شورای عالی معارف، انجمن آثار ملی و فرهنگستان ایران را نیز باید در همین راستا دید. اگر به فهرست کتابهایی که فروغی منتشر ساخته است بنگریم می بینیم که او دو بار دست به انتخاب و تهذیب شاهنامه فردوسی زد (بار اول همزمان با کنگره هزاره فردوسی در ۱۳۱۳ و بار دوم برای دبیرستانها در ۱۳۲۱). منتخبی از دیوان حافظ نشر داد (۱۳۱۸) و بعد از تصحیح گلستان و بوستان سعدی دنباله کار را رها نکرد تا سرانجام کلیات شیخ را یک بار به طبع رسانید (۱۳۲۰). منتخبی از گلستان هم برای دبیرستانها آماده کرد (۱۳۱۹). رباعیات نظامی را نیز از منابع معتبر و کهن گرد آورد (۱۳۲۱) و در صدد تصحیح خمسة نظامی بود که دست او را در ربود. از همه اینها پیداست که مطمح نظر فروغی ترویج هرچه صحیحتر آثار ادبی مفاخر ایران بوده است. زیرا او جز اینکه توانسته بود از این طریق به وقت سختی به دامن معشوق، یعنی ادبیات فارسی، پناه برد،^۱ آن ادبیات را برای ایرانیان نعمتی خداداد می دانست که اساس تکمیل لوازم انسانیت و تربیت ملت ایران است و باید در نگه داری آن کوشش بسیار در پیش داشت.^۲

۱. فروغی در آذرماه ۱۳۱۴، هنگامی که ریاست وزرا را بر عهده داشت، در ماجرای مسجد گوهرشاد مغضوب رضاشاه و متعاقباً حدود شش سال خانه نشین شد. با وجود تمام مقامات عالیه که بدانها رسیده بود چنان زیسته بود که در آن موقع جز تألیف و تصحیح و ترجمه کتاب و همکاری با وزارت معارف در بررسی کتب درسی راه دیگری برای امرار معاش نداشت.

۲. برای آشنایی با شمه ای از افکار فروغی در این خصوص می توان نمونه وار به نوشته او با عنوان «ادبیات ایران» (تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۳، خرداد ۱۳۱۶، ص ۱۲۹-۱۳۴) مراجعه کرد. این نوشته در مجلد دوم مقالات فروغی (تهران، انتشارات توس با همکاری مجله یغما، ۱۳۵۴، ص ۲۲۴-۲۳۱) تجدید چاپ شده است.

کلیات سعدی به تصحیح فروغی بی شک از قدیمترین نمونه‌های تصحیح علمی در ایران است. این مقدمه جای تفصیل درباره کیفیت تصحیح اشعار و منشورات سعدی و ارزیابی تصحیحات موجود از آنها نیست. در این فرصت تنها می‌خواهم تا توجه خوانندگان را به یکی دو نکته کلی در این باره معطوف کنم و برای آنان اندکی از ضرورت تصحیح دوباره و تازه آثار قلمی سعدی بگویم. امروزه شمار نسخ خطی که از مؤلفات سعدی تا حدود سال ۸۰۰ هجری، یعنی کمی بیش از یک قرن پس از وفات او، می‌شناسیم افزون بر سی و سه چهار است. حال آنکه در زمان فروغی، چنانکه جلوتر ملاحظه خواهید کرد، این تعداد از ده نسخه تجاوز نمی‌کرد. آنان که با نسخ خطی کلیات شیخ سر و کار داشته‌اند حتماً می‌دانند که در میان این سی و اند نسخه خطی قرن هشتمی هیچ دو نسخه‌ای نیست که در همه بخشها سهل است، در یکی دو کتاب یا رساله با یکدیگر همخوانی و شباهت معنادار داشته باشند. به همین سبب از ضروریترین کارهای اولیه در تصحیح علمی کلیات سعدی پی بردن به روابط خویشاوندی نسخه‌های خطی و طبقه‌بندی آنها برای استفاده درست و روشمند است. این کار با آنکه از نخستین قدمهای تصحیح محسوب می‌شود اما در واقع تا وقتی که مصحح پای در میدان عمل نگذارد و با جزئیترین مسائل تصحیح دست و پنجه نرم نکند شدنی نیست، زیرا کاری است حوصله‌سوز و محتاج دقت و ممارست فراوان و البته نسبت به مؤلفات سعدی از گونه‌ای هم نیست که به ترسیم شجره نسخ ختم شود. با این حال در ضرورت انجام آن جای هیچ انکار نیست. آنان که احیاناً کوششی مقدماتی در یافتن روابط خویشاوندی میان قسمتهای مختلف نسخ کلیات کرده باشند لابد دریافته‌اند که علی‌رغم فاصله کمی که میان تاریخ کتابت بعضی از این نسخ با زمان حیات شاعر هست، میان آن نسخ نسبت خویشاوندی روشن و نزدیک تقریباً برقرار نیست و این نشان از اقبال خوانندگان سخن سعدی و استنساخهای متعدد از مؤلفات یا کلیات وی دارد که ظاهراً از ایام میانسالی شاعر و به

طور پراکنده شروع شده بوده است.^۱ بررسی تنوع ساختار نسخ قدیمه کلیات و تلاش برای پاسخ دادن بدین پرسش که تا چه اندازه تدوین این مجموعه یا بخشهایی از آن به دست خود سعدی صورت پذیرفته بوده یکی از ضروریات و لوازم تصحیح این کتاب مستطاب است.^۲

مسئله دیگری که در کار تصحیح ارتباطی تنگاتنگ با بحث پیشین پیدا می کند تصرفاتی است که شخص سعدی در بعضی مؤلفات خود خاصه بوستان و گلستان کرده است. جای هیچ شک نیست که سعدی در هر دو کتاب اخیرالذکر حداقل یک نوبت دست برده و این مطلبی است که اهل فن از آن آگاهند و فروغی هم در مقدمه بوستان بدین مطلب اشاره کرده است،^۳ هر چند این مسئله انعکاسی در تصحیح وی ندارد. پیدا کردن این تصرفات البته همیشه شدنی نیست و این عین یکی از این تحریرها به ظن قریب به یقین ممکن نخواهد بود. ولی مادام که مثلاً مصحح گلستان در دستبندی نسخ مبنای کار خود، از این جهت که متن آن به قبل یا بعد از بازنگریهای شیخ ندارد یا التقاطی از هر دو است، تا اقصی درجه امکان نکوشد، در میان انبوه نسخه بدلها سردرگم نخواهد شد و قدمی فراتر از

۱. هر چند سعدی در بوستان از سر فروتنی می گوید:

همانا که در فارس انشاء من
جو مشکست بی قیمت اندر ختن

(کتاب حاضر، ص ۳۴۳)

اما یک سال بعد در گلستان می نویسد: «ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده است و صیت سخنش که در بسط زمین رفته و قصب الجیب حدیش که همچون شکر می خوردند و رقعه منشآتش که چون کاغذ زر می پرند بر کمال فضل و بلاغت او حمل توان کرد» (کتاب حاضر، ص ۱۱۰).

۲. دوست عزیز شیرازی من ارحام مرادی در این ایام مشغول تکمیل رساله دکتری خود درباره «تحولات ساختاری کلیات سعدی و تدوینهای آن» در دانشگاه بامبرگ آلمان است.

۳. کتاب حاضر، ص ۳۳۵-۳۳۶. همچنین رجوع شود به اشارات محمد قزوینی در مقاله «معدوحین شیخ سعدی» (تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، ص ۷۵۱ پانویشت ۱، ۷۹۳ پانویشت ۱). برای اطلاع بیشتر در این باره مقاله مجتبی مینوی با عنوان «تحقیقاتی درباره کلیات سعدی» (یغما، سال یازدهم، شماره ۹، آذر ۱۳۳۷، ص ۳۸۷-۳۸۸) دیده شود.

تصحیحات موجود نمی‌تواند برداشت. پی بردن به تصرّفات سعدی در غزلیات و قصاید و مقطّعات دشوارتر، بل در اغلب موارد ناممکن است. بر تصحیح این اشعار و سایر مؤلفات شیخ روشهای دیگری مترتب است که اینجا جای آن سخن نیست. این قدر باید گفت که اگر هدف از تصحیح هرچه نزدیکتر شدن به صورتی است که از زیر دست نویسنده یا شاعر بیرون آمده، لازم است ترتیب توالی بعضی قسمتهای کلیات و تقسیم غزلیات به چهار دسته قدیم،^۱ بدایع، طئیات و خواتیم را محترم شمرد و حفظ کرد، چون این تقسیمات به ظنّ قوی از خود شیخ بوده است. این همان اشکالی است که محمّد قزوینی و بعدتر مجتبی مینوی بر تصحیح فروغی وارد دانسته‌اند،^۲ و فروغی نیز البته در مقدّمه کتاب غزلیات از عقیده خود دفاع کرده است.^۳ ما جلوتر بدین موضوع بازخواهیم گشت.

گاه در میان دانشگاهیان شبهه می‌شود که با وجود تصحیحی که دکتر غلامحسین یوسفی از گلستان، بوستان و غزلیات تصحیح کرده دیگر تصحیح فروغی منسوخ گشته است. کاشکی چنین بود، اما نیست. آن مرحوم با آنکه بعضی نسخ قدیمه در اختیار داشت که در زمان فروغی هنوز شناخته نبود و از حیث ارائه نسخه‌بدلها هم برای روشمندتر از فروغی عمل نمود و خدمتی بسزا کرد، به عقیده ما راه درست را در انتخاب روش تصحیح هر کتاب پیدا نکرد و ضمناً هر بار اعتباری بیش از آنچه باید برای نسخه اساس تصحیح قائل شد و در پیروی از آن گاه زیاده‌روی کرد و نهایتاً در شناخت سبک شاعری سعدی و نتیجه در اختیار ضبطها،

۱. وضع نسخ قدیمه دیوان حاکی از آن است که غزلیات قدیم احتمالاً مدتی بعد از وفات سعدی از سه بخش دیگر (یعنی بدایع، طئیات و خواتیم) استخراج و تدوین شده است.

۲. برای شرح این اشکال بنگرید به: «محمّدعلی فروغی (ذکاءالملک)»، مجتبی مینوی، نقد حال، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۱، ص ۵۴۶-۵۴۷؛ «رساله صاحبیه از شیخ اجل سعدی شیرازی در نصیحت ارباب مملکت»، مجتبی مینوی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۵۳، ص ۲۶-۲۹.

۳. کتاب حاضر، ص ۶۰۴-۶۰۷. همچنین بنگرید به صفحات ۱۰۴۴، ۱۰۴۹-۱۰۵۰.

۴. تصحیح غزلهای سعدی با همکاری پرویز اتابکی بوده است.

در همه موارد به قدرت استنباط و درک فروغی نرسید. به همین ملاحظات است که هنوز در بسیاری مواضع ضبط مختار فروغی بر آنچه یوسفی اختیار کرده است رجحان دارد.^۱ حقیقت این است که هنوز تا رسیدن به نسخه‌ای آراسته و پیراسته از دیوان^۲ یا کلیات شیخ که لایق مقام سردفتر شعر فارسی و موافق طبع و سلیقه مشکل‌پسندان باشد راهی دراز در پیش داریم و فعلاً معتبرترین تصحیح کلیات او را باید همین تصحیح فروغی بدانیم که خوانندگان این یادداشت افسست چاپ اصلی آن را در دست دارند.^۳

باری، فروغی نظر به شیفتگی و فریفتگی که نسبت به گلستان داشت و به آرزوی

۱. برای نمونه رجوع شود به بعضی نمونه‌هایی که جعفر مؤید شیرازی در بازیافت بوستانهای سعدی (شیراز، نشر ایما، ۱۳۷۷) آورده است.

۲. آنچه را ما «کلیات» می‌گوییم گذشتگان بیشتر «دیوان» نامیده‌اند.

۳. اگر بخواهم از چاپهای دیگر مؤلفان سعدی که در عالم تصحیح اصالتی دارند، یعنی در تصحیح آنها نسخ خطی مبنای کار قرار گرفته است اسم ببرم، اول تصحیح کتاب باید یاد کنم:

The Odes of Sheikh Muṣliḥu-d-Dīn Sa'dī Shīrāzī, Edited by Sir Lucas White King, Calcutta, Asiatic Society of Bengal, 1919-1921.

بدایع، غزلیات افصح المتکلمین شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، [در تصحیح ایرکاس کینگ]، با مقدمه تقی ارانی، برلین، چاپخانه شرکت کاویانی، ۱۳۰۴.

نامه سعدی یا بوستان، به تصحیح آقای امیرخیزی، جزو پروگرام وزارت جلیله معارف، برای سیکل اول مدارس متوسطه، تبریز، کتابخانه ادبیه، اردیبهشت ۱۳۱۰.

کتاب گلستان فی التوادر و الامثال و الشعر و الحکایات، به اهتمام و تصحیح و حواشی میرزا عبدالعظیم‌خان گرکانی، تهران، مطبعة مجلس، ۱۳۱۰.

گلستان سعدی، که ۲۹ سال بعد از مصنف کتابت شده، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، به سرمایه شرکت طبع کتاب، اسفند ۱۳۱۶.

کتاب بوستان سعدی، به اهتمام و تصحیح و حواشی عبدالعظیم قریب، تهران، چاپخانه مجلس، دی ۱۳۲۸.
گلستان سعدی، تصحیح متن علمی انتقادی، ترجمه روسی، مقدمه، تعلیقات و حواشی به قلم رستم موسی اوغلی علی‌یف، مسکو، فرهنگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ۱۹۵۹.

سعدی‌نامه یا بوستان، از روی قدیمترین نسخه‌های بوستان سعدی در اتحاد شوروی و کشورهای دیگر، تهیه متن انتقادی، تحقیق و توضیح از رستم علی‌یف، از نشریات کتابخانه پهلوی، به اهتمام انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۷.

غزلیات سعدی، به تصحیح حبیب یغمایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۱.

رسیدن به نسخه صحیحتری از آن کتاب قدم در عرصه تصحیح کلیات سعدی گذاشت. سی ساله بوده که پدرش میرزا محمدحسین خان ذکاءالملک (وفات در مهر ۱۲۸۶) در تقریظ و مقدمه‌ای که بر گلستان چاپ میرزا حسین خان معتمدالممالک نوشته از «وضع ناپسند تحریر و کتابت آن تعبیّرات دلکش و مضامین خوش» شکایت کرده بود^۱ و شاید که بذر اندیشه تصحیح این کتاب را همو بی آنکه بخواهد در دل پسر کاشته باشد. اما مشوق اصلی فروغی در تصحیح گلستان کشف نسخه‌ای از کلیات سعدی (مورخ ۷۶۷ق) در کتابخانه ملی پاریس به راهنمایی محمد قزوینی بوده است.^۲ فروغی دست کم از اوایل تابستان ۱۳۰۵، وقتی عازم اروپا بوده، نزدیکان خود را از نیتی که برای تصحیح گلستان داشته آگاه کرده بود. مجتبی مینوی در نامه‌ای به سید حسن تقی‌زاده مورخ پنجم شهریور ۱۳۰۵ می‌نویسد: «در باب گلستان که آقای فروغی می‌خواستند چاپ کنند چنانکه اطلاع دارید آقای آقا محمدخان مدّ ظله العالی مصلحت دیده بودند که عکس نسخه پاریس را بگیریم. به ایشان گفت منا شد خودشان که به پاریس می‌روند^۳ با آقای قزوینی گفتگو کنند، اگر لازم شد که در تهران چاپ شود خودشان عکس برداشته همراه بیاورند.»^۴ از نامه دیگری که فروغی دو سال بعد، یعنی به تاریخ سوم اردیبهشت ۱۳۰۷، از استانبول برای برادرش ابوالحسن خان نوشته چنین پیداست که قول و

۱. گلستان شیخ سعدی، به انضمام صورت شیخ که از کتابخانه ملی فرانسه اخذ شده، مقدمه و شرح احوال شیخ علیه الرحمة نگارش جناب جلال‌تآب بندگان آقای میرزا محمدحسین خان متخلص به فروغی و ملقب به ذکاءالملک و صاحب امتیاز روزنامه تربیت و مدیر مدرسه سیاسی، و دو فهرست متعلق به اسامی و لغات و اشعار عربی گلستان نگارش این بنده اقل میرزا حسین خان معتمدالممالک، طهران، کتابخانه شمس العماره، به خط قوام‌الکتاب، ۱۳۲۴ق، ص ۲-۳.

۲. بنگرید به کتاب حاضر، ص ۹۷.

۳. فروغی در تاریخ ۱۴ تیر ۱۳۰۵ تهران را به مقصد پاریس ترک کرده بوده است.

۴. «نامه‌های مجتبی مینوی به سید حسن تقی‌زاده»، محمد افشین‌وفایی، به یاد ایرج افشار، دفتر دوم، به کوشش جواد بشری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۲، ص ۷۵.

قرار تصحیح گلستان را در همان سفر تابستان ۱۳۰۵ با دوست روزگار جوانی خود، محمد قزوینی، گذاشته بوده: «در باب گلستان گفتگوها مان را در سفر سابق که پاریس بودم با آقا میرزا محمدخان تمام کرده بودیم. اما ترتیباتی که برای من پیش آمد اجازه نداد که لوازم مالی آن را فراهم کنم. خود آقا میرزا محمدخان هم که قدرت آن را ندارد. اگر وزارت معارف آن را مفید می‌داند و مخارج آن را بدهد به زودی گلستان خوبی که تقریباً بتوان مطمئن بود که به اصل گلستانی که از قلم شیخ خارج شده نزدیک است به طبع خواهد رسید.»^۱ فروغی یک هفته بعد (در دهم اردیبهشت) از همان استانبول نامه‌ای برای قزوینی راجع به گلستان می‌نویسد^۲ که از مضمون آن بی‌خبریم. به هر روی، خیال این کار مشترک به تحقق نپیوست و تصحیح گلستان تا روزگار خانه‌نشینی اجباری فروغی و دوری او از عالم سیاست عهده تعویق افتاد.

در اواسط سال ۱۳۱۵ وزارت معارف و اوقاف به تصدی علی اصغر حکمت در صدد برپایی جشنی به مناسبت هفتصدمین سال تصنیف و تألیف بوستان و گلستان سعدی برآمد و به ادارات خود بخشنامه فرستاد که «چون سال جاری ۱۳۴۱ هجری) با هفتصدمین سال تصنیف بوستان و سال آینده (۱۳۵۶) با هفتصدمین سال تألیف گلستان مقارن و مصادف می‌باشد لذا برای ابراز قدردانی از استاد و سخنور بزرگ ایران شیخ سعدی و نیز به منظور متوجه ساختن جوانان دانش‌آموز به اهمیت مقام و آثار جاودانی استاد بزرگ در نظر است جشن هفتصدمین سال تصنیف و تألیف بوستان و گلستان برپا و در ضمن ابراز احساسات و تظاهرات عمومی به دستیاری ارباب فضل و تتبع قدمهای جدیدی در باب تحقیق در جزئیات احوال و آثار و روحیات و مقام و قدرت ادبی گوینده گلستان و بوستان

۱. نامه‌های محمدعلی فروغی، به کوشش محمد افشین‌وفایی و مهدی فیروزیان، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۱، ص ۲۴۱.

۲. خاطرات محمدعلی فروغی به همراه یادداشت‌های روزانه از سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰، به خواستاری ایرج افشار، به کوشش محمد افشین‌وفایی و پژمان فیروزیخس، تهران، سخن، ۱۳۹۶، ص ۲۵۱.

برداشته شود جشن مذکور در ضمن سال جاری منعقد خواهد شد.^۱ از جمله تیات وزارت معارف چاپ و نشر نسخه‌ای صحیح از گلستان و بوستان با مقابله با نسخ خطی قدیم بود.^۲ بدین منظور وزیر معارف وقت، علی‌اصغر حکمت، به رئیس‌الوزرای سابق، محمدعلی فروغی، مراجعه کرد و فروغی که خود سالها در اندیشه تصحیح گلستان بود این بار اسباب را بالنسبه فراهم دید و با مساعدت امنای وزارت معارف بدین کار دست برد. دوری محمد قزوینی از ایران طبعاً مانع از همکاری آنها در تصحیح گلستان بود. ولی وزارت معارف برای تسریع امور حبیب یغمایی را که در آن زمان از اعضای فاضل و ادیب اداره کل انطباعات بود به دستکاری فروغی تعیین کرد و پیگیریهای علاقه‌مندانه یغمایی، آنچنان که فروغی خود نوشته،^۳ در پیشبرد کار بسیار مؤثر واقع شد.

فروغی از آغاز بهار ۱۳۱۵ به پشتیبانی وزارت معارف، بخصوص حکمت، و با کمکهای بی‌دریغ حبیب یغمایی، آردن اصل یا عکس نسخ گلستان مشغول شد و در این کار از یاری دوستان دیگرش همچون محمد قزوینی و حسین علا نیز برخوردار گردید. عکس نسخه مورخ ۷۶۷ق کتابخانه ملی در پاریس را سابقاً به توسط قزوینی تهیه کرده بود. از نامه‌ای که فروغی به تاریخ ۸ دی ۱۳۱۵ در پاسخ به وزارت معارف نوشته چنین پیداست که چندی بوده عکسی از نسخه گلستان کتابخانه سلطنتی (با رقم جعلی یاقوت مستعصمی) در اختیار داشته^۴ و اصل نسخه را هم اداره بیوتات به وساطت وزارت معارف و ریاست دربار شاهنشاهی از تاریخ ۱۷ دی همان سال به مدّت

۱. متحدالمال نمرة ۵۳۳۰-۳۱۵۹۶ اداره کل انطباعات، مورخ ۱۱ شهریور ۱۳۱۵. تصویر سند ۱ در پیوستها.

۲. بی مناسبت نیست یادآوری شود بوستانی که به اهتمام امیرخیزی در اردیبهشت ۱۳۱۰ در تبریز منتشر شد نیز جزئی از برنامه وزارت معارف بوده است.

۳. کتاب حاضر، ص ۹۸، ۳۳۶، ۶۱۴.

۴. «پراکنده‌های ایرانشناسی» (۹)، ۴۹. نامه محمدعلی فروغی به وزارت معارف برای تهیه عکس از نسخ خطی گلستان و بوستان»، پزمان فیروزبخش، بخارا، شماره ۱۴۲، فروردین-اردیبهشت ۱۴۰۰، ص ۴۹۸-۴۹۲.

یک ماه امانه^۱ به فروغی سپرده است.^۱ در مهر یا آبان ۱۳۱۵^۲ نسخه‌ای از اصفهان، متعلق به ابوالحسن بزرگ‌زاد، به دست فروغی می‌رسد که آن را صحیح‌ترین نسخه‌های موجود شناخته، اساس تصحیح خود از گلستان قرار می‌دهد. فروغی همچنین به واسطه سه نامه از سر دنیسن راس (رئیس مدرسه السنه شرقیه در دانشگاه لندن)، ثرمن سسیل سینزبری (کتابدار قسمت کتابهای شرقی موزه بریتانیا) و مجتبی مینوی که هر سه در پاسخ به پرسش حسین علا، وزیر مختار دولت شاهنشاهی در لندن، نوشته شده بود، در تاریخ ۶ دی ۱۳۱۵ از وجود چند نسخه کهن در لندن و پاریس مطلع می‌شود و بلافاصله برای تهیه عکس از دو نسخه در لندن و تحقیق درباره سه نسخه در پاریس به ترتیب به توسط علا و قزوینی اقدام می‌کند.^۳ دو نسخه لندن، یکی متعلق به لرد گرینوی مورخ ۷۲۰ ق و دیگری در کتابخانه دیوان مورخ ۷۲۸ ق در مراحل پایانی کار به دست فروغی می‌رسد و او موفق می‌شود نسخه‌بدهای مورخ و قبل توجه این دو را در آخر کتاب بیاورد. اما از نسخ پاریس (مورخ ۷۳۰، ۷۶۴ و ۷۸۶ ق) چهار نسخه جداگانه که محض نمونه به پایمردی قزوینی تهیه و در ۱۵ بهمن ۱۳۱۵ برای فروغی ارسال می‌شود،^۴ هیچ‌گاه عکسی کامل برداشته نمی‌شود.^۵ تصحیح گلستان احتمالاً در اواخر سال ۱۳۱۵ یا در فروردین ۱۳۱۶ به

۱. بنگرید به تصویر سند ۱۳ در پیوستها.

۲. در تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۱۵ نسخه نزد فروغی بوده است. بنگرید به تصویر سند ۵ در پیوستها.

۳. برای تفصیل مطلب رجوع شود به مقاله مذکور در پانوش ۴ صفحه قبل و نیز: «پراکنده‌های ایرانشناسی: ۵۰. نامه‌ای از مجتبی مینوی درباره نسخه‌های قدیم گلستان سعدی در اروپا»، پژمان فیروزبخش، منتشرشده در کانال تلگرامی «حاصل اوقات»، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳.

۴. برای تفصیل مطلب رجوع شود به: «یادداشت‌های علامه محمد قزوینی بر اوراق عکسی نسخه‌های گلستان و کلیات سعدی محفوظ در کتابخانه ملی پاریس»، کیومرث محمودی، نامه بهارستان، سال یازدهم، دفتر ۱۶، ۱۳۸۹، ص ۲۳۱-۲۳۴؛ «نامه علامه محمد قزوینی به ذکاءالملک محمدعلی فروغی درباره سه نسخه خطی کلیات و گلستان سعدی محفوظ در کتابخانه ملی پاریس، کتابت ۷۳۰، ۷۶۴ و ۷۸۶ ق»، نادر مطلبی کاشانی، نامه بهارستان، سال یازدهم، دفتر ۱۷، ۱۳۸۹، ص ۲۰۷-۲۱۴.

۵. «پراکنده‌های ایرانشناسی: ۵۰. نامه‌ای از مجتبی مینوی درباره نسخه‌های قدیم گلستان سعدی در اروپا»، ص ۲.

پایان رسیده و امضای فروغی در پای مقدمه آن تاریخ ۱ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶ دارد. اتمام طبع کتاب در خردادماه^۱ و در چاپخانه بروخیم بوده و مجلس جشن هفتصدمین سال تألیف گلستان و بوستان روز پنجشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۱۶ در سالن دانشسرای عالی منعقد شده است.

فروغی روشی را که در چاپ هر یک از مجلدات چهارگانه کلیات سعدی دنبال کرده است در ابتدای هر مجلد با بیانی شیوا توضیح داده و اینجا حاجت به تکرار نیست. در این یادداشت مختصری در وصف نسخ خطی مبنای تصحیح فروغی می‌آوریم تا خوانندگان به سهولت و اجمال و گاه همراه با آگاهیهای تازه از پشتوانه کار او باخبر شوند. فروغی در روزگاری سعی در استفاده هرچه کاملتر از نسخه‌های خطی قدیم کرد که هنوز در ایران چندان جا نیفتاده بود که «نسخه‌های خطی قدیم باید ملاک تصحیح متون ادبی بشود».^۲ پیش از وارد شدن به این بحث لازم است به اصلیت‌ترین عیب تصحیح فروغی که به شیوه استفاده او از نسخه‌های خطی برمی‌آید اشاره‌ای کنیم و آن همانا ثبت دلبخواهی و ناتمام نسخه‌بدلهاست. با مراجعه به پانوشتهای چهار مجلد کلیات فوراً با عبارتهایی نظیر «در بعضی از نسخه‌ها»، «در بیشتر نسخه‌ها»، «در یکی از نسخ»، «در یک نسخه قدیمی» و «در نسخه‌های متأخر» روبرو می‌شویم که اطلاع جزئیتری به خواننده نمی‌دهد. فروغی به ندرت برای نسخ خطی مبنای کار خود رمز یا اختصار وضع کرده^۳ و

۱. بنگرید به تصویر سند ۲۲ در پیوستها. از تقدیم نامه‌ای که فروغی بر نسخه‌ای از این کتاب نوشته و آن را به مادرشوه‌ری خواهرزاده‌اش (هما وصال دختر عذرا فروغی) تقدیم کرده پیداست تعدادی از نسخ کتاب در همان اردیبهشت‌ماه به دست وی رسیده بوده است: «بانوی ارجمند زینةالسلطنة که به همشهری بودن با شیخ سعدی سرفرازند بی گمان ارزش گلستان را از همه کس بهتر خواهند دانست. اردیبهشت ۱۳۱۶. فروغی.»

۲. عنوان مقاله‌ای است از مجتبی مینوی (در: مجموعه سخنرانیهای اولین و دومین هفته فردوسی، به کوشش حمید زرین کوب، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۵۳، ص ۲۴۴-۲۶۳) که با گذشت سی چهل سال از تصحیح فروغی هنوز لازم می‌دید چنین روشی را که شاید امروز برای ما بدیهی است گوشزد کند.

۳. بنگرید به پیوست اول.

نسخه‌بدل‌های مختار وی نیز اساساً محدود به اختلافاتی است که در چشمش قابل توجه آمده است، آن هم بی آنکه معلوم باشد هر ضبط مستند به چه نسخه یا نسخی است. فروغی خود در این باره نوشته است: «از نسخه‌بدلهایی که اختیار کرده‌ایم هر کدام در نسخه‌های متعدد یافت شده ذکر مأخذ آنها را لازم ندانستیم.»^۱ با این کار امکان تحقیق انتقادی از خواننده صاحب‌تمیز سلب شده است.

فروغی تصحیح گلستان را با همکاری یغمایی و «بدون دخل و تصرف و دخالت ذوق شخصی» با رجوع به نسخ خطی زیر به انجام رسانید.^۲ ترتیب معرفی نسخ، جز دو نسخه آخر، مطابق است با اهمیتی که فروغی برای هر یک از آنها قائل بوده است:

۱. نسخه متعلق به ابوالحسن بزرگ‌زاد در اصفهان که دست کم از آبان ۱۳۱۵ به دست فروغی رسیده بوده است. این نسخه تاریخ کتابت ندارد و بعد از سقطاتی که مقدار آن معلوم نیست مشتمل است بر بیست و یک برگ، اندکی از غزلیات، ترجیع‌بند، و تعدادی قطعه و رباعی. قطع آن بیاضی و اوراقش بعضاً کهنش است. از هیأت خط و دیگر ظواهر آن پیداست که در نیمه دوم قرن هشتم کتابت شده است. در اول نسخه انجامة‌ای الصاق شده بدین عبارت: «فرغ من تسطیر کتاب الطیبات قایله العبد الفقیر الحقییر المستجیر بعفوه تعالی مشرف ابن مصلح السعدی غفر الله له فی غرة ذی الحجة لسنة احدى و ستین و ستمایه [۶۶۱] و الحمد لولیه و الصلوة علی نبیه» که بی شک مربوط بدین نسخه نیست. لذا معیاری به دست نداریم که از آن طریق به اصالت یا جعلی بودن این دستخط پی ببریم؛^۳

۱. کتاب حاضر، ص ۱۰۵.

۲. جزئه نسخه‌ای که معرفی شده است، فروغی نسخ دیگری را نیز از نظر گذرانیده بوده یا در اختیار داشته است، مانند نسخه‌ای از کلیات که وزارت معارف از شیراز تهیه کرده بوده (تصویر سند ۵ در پیوسته) یا نسخ کتابهای سعدی در کتابخانه سلطنتی (تصویر سند ۱۵ در پیوسته).

۳. فروغی به تقریب هم تاریخی به دست نداده است.

۴. مینوی («رساله صاحبیه از شیخ اجل سعدی شیرازی در نصیحت ارباب مملکت»، ص ۲۷) تاریخ جمع کتاب طیبات را سال ۶۵۸ ق می‌داند که با این انجامة تضادی ندارد.

اگرچه زرنوشت بودن آن دلیلی تواند بود برای تردید در اصالت مدّعی نویسنده اش. اما باز اگر کسی اعتراض کند که از کجا معلوم این انجامه نقل از خطّ سعدی نباشد پاسخی مجاب‌کننده نداریم. فروغی گلستان این نسخه را «صحیحترین نسخه‌ای که تا کنون به نظر آمده» می‌داند، تا بدانجا که می‌نویسد: «گذشته از اغلاط کتابتی و مواضعی که در آن قلم برده شده است، ... شاید بتوان گفت که تقریباً مطابق است با آنچه از قلم شیخ سعدی بیرون آمده است».^۱ برای همین در تصحیح گلستان این نسخه را اصل و متن قرار داده و کاملاً از آن تبعیت نموده، مگر در مواضعی که مغلوپ بودنش آشکار بوده است. در چنین مواردی ضبط نسخ معتبر دیگر را جایگزین کرده و در حاشیه ضبط اصل را با رمز «ص» به دست داده است. این نسخه به شماره ۱۰۰۰ در کتابخانه آیت‌الله دستغیب (کتابخانه ملی پاریس) در شیراز نگهداری می‌شد و اکنون همراه دیگر نسخ خطّی این کتابخانه به کتابخانه عمومی مجلس شورای اسلامی اردکانی در همان شهر منتقل گردیده است.^۲

۲. نسخه کليات متعلّق به مجدالدین نصیری که به نسخ مخصوص فروغی در قرن هشتم نوشته شده و با وجود ناقص بودن و تصرفها و تحریفها که در آن شده فروغی آن را پس از نسخه بزرگ‌زاد از همه صحیحتر یافته است. نامحتمل نیست که کليات خطّی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۲۵۷۰ همین نسخه نصیری باشد.

۳. نسخه کليات در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس به شماره Supplément Persan 1778 مورّخ به سال ۷۶۷ق^۳ که در پانوشتها با رمز «پا» از آن یاد شده است. محمّد قزوینی

۱. کتاب حاضر، ص ۹۸.

۲. یغمایی در خاطرات خود نوشته که دکتر کریم فاطمی آن را خریده و بر بقعه شیخ سعدی وقف کرده است (خاطرات حبیب یغمایی از روزگار مجله‌نویسی، برگرفته از مجله آینده، به کوشش ایرج افشار، تهران، طایفه، ۱۳۷۲، ص ۱۳۲).

۳. در صفحه ۹۷ کتاب حاضر به غلط ۷۶۸ نوشته شده است.

دست کم از سال ۱۲۹۹ این نسخه را می‌شناخته^۱ و در مقاله معروفش «ممدوحین شیخ سعدی» که به سفارش وزارت معارف برای مجله تعلیم و تربیت (سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، شماره مخصوص شیخ سعدی موسوم به سعدی‌نامه) نوشته از آن بهره‌یاب شده است. همو فروغی را از وجود این نسخه باخبر کرده و عکسی از آن برایش برداشته است.

۴. نسخه کلیات متعلق به کتابخانه حاج حسین ملک که «تاریخ کتابتش معلوم نیست ولی سبک تحریر و طرز تدوین غزلیات می‌نماید که در حدود نیمه مائه هشتم نوشته شده و نسخه‌ای است قدیمی و معتبر».^۲ عکس صفحه‌ای از این نسخه که در سعدی‌نامه گراور شده^۳ مسلم می‌کند نسخه شماره ۴۸۳۱ کتابخانه و موزه ملی ملک همین کلیات مزبور است.

۵. نسخه کلیات ناقص متعلق به ضابط انصاری، از اعضای وزارت معارف، مورخ به سال ۷۹۴ق. نگارنده از وضعیت فعلی این نسخه بی‌خبر است.

۶. نسخه گلستان در کتابخانه سلطنتی با رقم «کتاب الغنی الفقیر الی الله الغنی یاقوت المستعصمی فی اواخر شهر رمضان المبارک من سنة ثمان و ستین و ستمئه [۶۶۸] حامداً علی نعمه و مصلياً علی نبیه محمد و آله و مسلماً کثیراً».^۴ این نسخه را که ظاهراً زمانی متعلق به علی‌خان ظهیرالدوله بوده^۵ و مدتهاست تحت نمرة ۲۷۰۸ (به شماره دفتر ۶۴۲) در

۱. «یادداشتها و نکاتی از آثار علامه قزوینی»، جواد بشری، به یاد ایرج افشار، دفتر اول، به کوشش جواد بشری، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۴۰۰، ص ۵۱۷-۵۳۱. نیز رجوع شود به کتاب نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، ۱۹۱۲-۱۹۳۹، یادگارنمای دوستی و همکاری دو دانشمند طراز اول ایران، به کوشش ایرج افشار، تهران، جاویدان، چاپ دوم، ۲۵۳۶، ص ۱۳۳.

۲. کتاب حاضر، ص ۳۳۳.

۳. تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، بعد از ص ۷۴۶.

۴. فهرست نمونه خطوط خوش کتابخانه شاهنشاهی ایران، نگاشته مهدی بیانی، تهران، چاپ تابان، [۱۳۲۹]، ص ۳.

۵. مقدمه قریب بر کتاب گلستان، ص قو.

کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود باید از جعلیات اواسط قرن نهم دانست که به خوشنویس شهیر معاصر سعدی، یاقوت مستعصمی، بسته‌اند. فروغی به ندرت بعضی ضبطهای آن را با رمز «س» در پای صفحات گلستان به دست داده و درباره‌اش نوشته است: «در چگونگی این نسخه تحقیقاتی هست که چون مفصل می‌شود به موقع مناسبتری محول می‌نمائیم.»^۱ این نسخه به چاپ عکسی رسیده است.^۲ گویا نسخه مشابه دیگری هم با رقم ساختگی یاقوت مستعصمی در Messrs. Luzac and Co. در لندن بوده است^۳ که عجله از سرنوشت آن بی‌اطلاعیم.

۷. نسخه گلستان متعلق به اسماعیل امیرخیزی. فروغی تاریخ کتابت نسخه را تخمین نزده و فقط با لفظ «بالتسبه کهنه و صحیح» از آن یاد کرده است. محل نگهداری فعلی این نسخه نیز بر نگارنده ناشناخته است.

۸ و ۹. فروغی در میانه راه نسخه گلستان به واسطه مکتوباتی که با استفسار و پیگیریهای وزارت معارف و وزیر مختار دولت ایران در لندن به دستش می‌رسد^۴ از وجود دو نسخه بسیار کهن گلستان در آن شهر اطلاع حاصل می‌کند. یکی، از متروکات لرد گرینوی انگلیسی^۵ که در سال ۷۲۰ بر دست عبدالصمد بن محمد بن محمود بن خلیفه بن عبدالسلم بیضاوی سمت تحریر پذیرفته و قدیمترین نسخه‌ای است که به نظر فروغی رسیده است. فروغی آن را «از جهت نزدیک بودن به قلم شیخ سعدی تقریباً در عرض نسخه آقای بزرگ‌زاد» می‌داند. این نسخه که تنها حاوی گلستان، بوستان و رسائل است

۱. کتاب حاضر، ص ۱۰۳.

۲. گلستان سعدی، به خط یاقوت مستعصمی، به کوشش بدری آتابای معاون کتابخانه سلطنتی، تهران، چاپ تابان، ۱۳۴۶.

۳. «پراکنده‌های ایرانشناسی: ۵۰. نامه‌ای از مجتبی مینوی درباره نسخه‌های قدیم گلستان سعدی در اروپا»، ص ۶.

۴. برای تفصیل مطلب رجوع شود به آنچه در پانوش ۳ صفحه بیست و شش آورده‌ایم.

۵. از نامه دنیسن راس پیدا است که گرینوی در اواخر عمر این نسخه را خریداری کرده بوده است. بنگرید به:

همان، ص ۶.

بعدها از لندن خارج شده و به بنیاد مارتین بودمر در ژنو انتقال یافته است.^۱ قسمت دیگر این نسخه که کتابش تا سال ۷۲۱ به طول انجامیده بوده و در تاریخی نامعلوم از قسمت اول جدا و علیحده صحافی کرده‌اند در اختیار دانش بزرگ‌نیا بوده است.^۲ ما جلوتر مختصری در معرفی آن خواهیم نوشت. نسخه دوم متعلق به کتابخانه دیوان هند در لندن است به شماره ۸۷۶ که در سال ۷۲۸ نوشته شده است. کاتب نسخه، ابوبکر بن علی بن محمد پاکان (اسفراینی)^۳، دو جا، در پایان طبیات و خواتیم مدعی شده که این نسخه را از خط سعدی نوشته است. نسخه کتابخانه دیوان هند با آنکه یکی از قدیمترین نسخه‌هاست، از حیث اعتبار، نزد فروغی، در قدر و اندازه نسخه گرنوی نیست و فروغی کمتر از آن استفاده کرده است.^۴ عکس این هر دو نسخه موقعی به دست فروغی رسیده که چاپ گلستان نزدیک به اتمام بوده و برای همین نسخه‌بدلهایی که از این دو اختیار شده جداگانه به آخر کتاب

۱. ایرج افشار نسخه گرنوی را که کسی از او خبر نداشت بعدها در بنیاد بودمر یافت (مجموعه کمیته، مقاله‌هایی در نسخه‌شناسی و کتابشناسی، ایرج افشار، تهران، انتشارات فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۵۴، ص ۲۹۱، ۳۳۹-۳۴۰). میکروفیلمی از این نسخه به شماره ۷۰۵۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است (فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۷۵). عکسی از این نسخه در زمانی که هنوز در لندن بوده به توسط حسین علا برای کتابخانه ملی ایران برداشته شده بوده است («سخنان حبیب یغمایی»، سخنانی درباره فروغی، خطابه‌های ایرادشده در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران در آذرماه ۱۳۵۰، زیر نظر ایرج افشار، تهران، از انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، ص ۴۰).

۲. با آنکه فروغی در مقدمه غزلیات سعدی (صفحات ۶۱۱-۶۱۲ کتاب حاضر) این دو را یک کتاب دانسته، یوسفی در دیباجة بوستان (ص ۱۵) نوشته است: «نسخه‌های خطی قدیم و معتبر دیگری از آثار سعدی موجود است مثل ... نسخه مرحوم دانش بزرگ‌نیا که تاریخ تحریرش ۷۲۱ ه.ق. است و به خط همان کاتب نسخه «گ» است، ولی چون متن بوستان را فاقدست به کار نیامده است.» یوسفی بعدتر در تصحیح غزلهای سعدی (تهران، سخن، ۱۳۸۵، ص بیست و شش) به این نکته پی برده است.

۳. همین کاتب نسخه‌ای از کلیات عطار را در شعبان ۷۳۱ کتابت کرده که امروزه به شماره ۲۷۰ در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود (منطق الطیر، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۳، ص ۲۱۲-۲۱۳؛ مصیبت‌نامه، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶).

۴. کتاب حاضر، ص ۱۰۴.

ضمیمه گردیده است، با رمزهای «گ» و «ه» به ترتیب برای نسخه گرینوی و کتابخانه دیوان هند. نظر به صحت و اعتبار نسخه گرینوی و بدین ملاحظه که به قدر کافی در تصحیح گلستان از این نسخه استفاده نشده بود، حبیب یغمایی به اشاره فروغی متن گلستان را «بی هیچ تغییر و تبدیل با نهایت احتیاط با همان رسم الخط و املاء اصلی» از روی این نسخه در بهمن ماه ۱۳۱۶ جداگانه به چاپ رسانید.^۱

بلافاصله بعد از چاپ گلستان فروغی مشغول تصحیح بوستان شد، در حالی که به گفته خودش پیش از آن هرگز در اندیشه تصحیح این کتاب نیفتاده بود.^۲ فروغی در تصحیح بوستان روشی متفاوت پی گرفت. توضیحی که خود در این باره داده موجز و گویاست: «چون بوستان مانند گلستان در دست و پای همه کس نیفتاده و مقید به قیود شعری بوده کمتر دستهای تحریف و تصرفات عمدی گردیده و به این واسطه مجبور نبودیم یک نسخه را اصل و مبنی قرار دهیم و نسخه‌بدلها از نسخه‌های مخصوص برای آن اختیار نماییم، نسخه‌های متعدد از قدیم و متوسط و جدید در پیش گذاشتیم و از سه چهار نسخه که کهنه‌تر از همه بودند متابعت کردیم و اختلافاتی را که قابل ذکر دانستیم در ذیل صفحات آوردیم و آنچه از ذوق و سلیقه خود تصرف جایز دانستیم این بود که در نسخه‌های کهنه موجود آنچه را با ذوق خود موافقت یافتیم متن قرار دادیم و باقی را نسخه‌بدل کردیم، جز در جاهایی که مورد اتفاق یا اکثریت نسخه‌های کهنه معتبر بود که در آن موارد ذوق خود را حکم نساخته از آن نسخه‌ها کاملاً متابعت نمودیم.»^۳ بدین ترتیب فروغی تصحیح بوستان را تا دی ماه ۱۳۱۶ با همکاری یغمایی به پایان برد و کتاب

۱. همچنین بنگرید به نامه مجتبی مینوی با عنوان «تحقیقاتی درباره کلیات سعدی» به مدیر یغما، یغما، شماره ۹، سال ۱۱، آذرماه ۱۳۳۷، ص ۳۹۱. پانوش ۱ و یادداشت کوتاه یغمایی در همانجا.

۲. «پراکنده‌های ایران‌شناسی» (۹)، ۴۹. نامه محمدعلی فروغی به وزارت معارف برای تهیه عکس از نسخ خطی گلستان و بوستان، ص ۴۹۴.

۳. کتاب حاضر، ص ۳۳۱.

در بهمن ماه آن سال از مطبعه بیرون آمد.

نسخه‌های خطی بوستان به ترتیب اعتباری که در نظر فروغی داشتند و میزان استفاده‌ای که او از آنها برده است عبارتند از:

۱. نسخه متعلق به لرد گرینوی که ذکرش پیش از این رفت. فروغی درباره بوستان آن نوشته است: «در نهایت اعتبار و صحت است و محل اعتنای تام ما بوده است».^۱
۲. نسخه کلیات متعلق به دکتر محمدحسین لقمان ادهم (لقمان الدوله) که متضمن قسمتی از غزلیات و تقریباً دو سوم بوستان است در ۱۵۳ ورق. به سال ۷۱۸ کتابت شده و کاتب در پایان کتاب طبیات تصریح کرده که از روی نسخه اصلی خط شیخ سعدی استنساخ نموده است. این نسخه از تاریخ ۱۳۲۹ق در ملکیت لقمان الدوله بوده است. یغمایی در خاطراتش نوشته بعدها از دکتر علی قلی ادهم فرزند لقمان الدوله سراغ این نسخه را گرفته و او پاسخ داده که گم شده است.^۲ تا مدت‌ها بعد از آن نوشت این نسخه اطلاعی نداشت. چندی پیش معلوم شد از کشور خارج شده و در حراج کریستی لندن به فروش رفته است.^۳
۳. نسخه کلیات کتابخانه دیوان هند که قبلتر سخن از آن به میان آوردیم.
۴. نسخه کلیات کتابخانه حاج حسین ملک که معرفی شد.
۵. نسخه کلیات، بدون گلستان، متعلق به حاج عبدالحسین بحرانی که به آرامگاه سعدی اهدا کرده بوده. تاریخ کتابت آن معلوم نیست، ولی به عقیده فروغی در اواخر قرن هشتم نوشته شده است.
۶. نسخه کلیات متعلق به صادق انصاری که از آن یاد شد.

۱. کتاب حاضر، ص ۳۳۳.

۲. «سخنان حبیب یغمایی»، ص ۴۰؛ خاطرات حبیب یغمایی، ص ۱۳۳.

۳. این نکته که نسخه لقمان ادهم همان نسخه‌ای است که در حراج کریستی در اکتبر ۲۰۱۴ فروش رفته یادآوری ارحام مرادی است. همو برایم نقل کرد که از دوستی دیگر شنیده این نسخه اکنون در اختیار یک مجموعه‌دار ایتالیایی است.

۷. نسخه کليات متعلق به مجدالدین نصیری که ذکرش گذشت.

۸ - ۱۰. دو نسخه کليات یکی از سال ۹۳۲ (با ماده تاریخ کتابت «خير الکلام») و دیگری از سال ۱۰۰۰. همچنین نسخه‌ای از بوستان به خط سلطانه‌لی مشهدی. هر سه نسخه از کتابخانه حاج حسین ملک بوده و فروغی توضیح بیشتری درباره آنها نداده است.

۱۱. نسخه گراور شده یا به اصطلاح امروز چاپ نسخه برگردان بوستان با رقم «تم الكتاب بعون الملك الوهاب في تاريخ شهر ربيع الاول سنة ۱۰۱۲ العبد الفقير المذنب عماد الحسنی غفر ذنوبه و ستر عيوبه» که تقریباً صد سال پیش در «مطبع ماشین خانه دار السلطنة کابل» به طبع رسیده است. خط‌شناسان تصدیق خواهند کرد که نسخه به خط میر عماد بتواند بود. فروغی اعتبار و صحت چهار نسخه متأخر اخیر را قابل توجه دانسته است.

پس از چاپ گلستان بوستان که بخشی از برنامه وزارت معارف وقت بود، فروغی به ترغیب اهل فن کار تصحیح اشعار و رسائل سعدی را دنبال کرد و دو سال بعد، یعنی در شهریور ۱۳۱۸، اشعار عاشقانه سعدی را زیر عنوان غزلیات سعدی (اعم از طیبات، بدایع، خواتیم، غزلیات قدیم) به انضمام ترجیع‌بات، رباعیات و مفردات (در مغازله و معاشقه) در یک مجلد به طبع رساند. ذوق فروغی نکته‌سنج آن بود که اشعار پند و وعظ و حکمت را از مغازله و عشق جدا کند و در این کار نظر به مسائل تربیتی در خصوص جوانان داشته است. او غزلیات و حتی قطعات، رباعیات و مفردات شیخ را به دو دسته مغازله و موعظه تقسیم کرده و سومین مجلد کليات را به دسته اول اختصاص داده است تا «اگر کسی معتقد باشد که خواندن اشعار مغازله برای کسانی که در آغاز جوانی هستند مناسب نیست، می‌تواند جوانان را از مطالعه این مجلد [یعنی مجلد سوم] بازدارد و مجلد دیگر را [یعنی مجلد چهارم] بی دغدغه خاطر در دست آنان بگذارد.»^۲ تصرف دیگری که فروغی ضمن تصحیح در این قسمت از کليات سعدی کرده و

۱. تاریخ امضای مقدمه است.

۲. کتاب حاضر، ص ۶۰۴.

البته مفصلاً به ذکر دلایل خود برای این کار پرداخته،^۱ بر هم زدن تقسیم غزلیات به چهار دسته طئیات، بدایع، خواتیم و غزلیات قدیم است که در تمام نسخ قدیمه، مگر آنها که ترتیب اصلیشان را به ترتیب الفبایی بدل کرده‌اند، ملحوظ بوده است. فروغی از طرفی یقین حاصل نکرده بود که این تقسیمات از شخص سعدی است^۲ و از طرف دیگر چنین تقسیم‌بندی را مبنی بر هیچ نوع سنجیت شعری و مناسبات معنوی نمی‌دید. برای همین به مانند بعضی تنظیم‌کنندگان قدیم غزلیات را مرتب به نظم الفبایی کرد، اما برای کسانی که بخواهند بدانند هر غزلی در نسخ خطی جزء چه مجموعه‌ای قرار داشته، در صدر هر یک علامت «ط»، «ب»، «خ» و «م» (به ترتیب برای اشاره به طئیات، بدایع، خواتیم و غزلیات قدیم) گذاشت. بر هم زدن تقسیم‌بندی سنتی غزلیات، چنانکه فروغی خود پیش‌بینی کرده بود، با سلیقه علّامی مطابق نیامد و او را هدف انتقاد قرار داد. مجتبی مینوی که خود از مخالفان این کار بود، همین مسئله را حتی موجب زوال دوستی چهل پنجاه ساله میان محمد قزوینی و فروغی دانسته است.^۳

۱. کتاب حاضر، ص ۶۰۴-۶۰۷، ۱۰۴۴، ۱۰۴۹-۱۰۵۰.

۲. تحقیقات موجود هنوز برای کسب اطمینان از این مسئله کافی نیست. جهت آگاهی از بعضی استدلالهای موافق رجوع شود به منابع مذکور در پانوش ۲ صفحه بیست و یک، و نیز «تحقیقاتی درباره کلیات سعدی»، مجتبی مینوی، یغما، سال یازدهم، شماره ۹، آذر ۱۳۳۷، ص ۳۸۷.

۳. بنگرید به «رسالة صاحبیه از شیخ اجل سعدی شیرازی در نصیحت ارباب مملکت»، ص ۲۹. کدورت قزوینی از دوست و دستگیر قدیمش فروغی دلایل دیگری هم داشته است که مجال ذکرش اینجا نیست. من و پژمان فیروزبخش مطلبی مستقل درباره روابط این دو مرد نوشته‌ایم که امیدواریم در آینده نزدیک آن را منتشر کنیم. عجالتاً برای ملاحظه بعضی دلایل دیگر رجوع شود به مقدمه احمد مهدوی دامغانی بر کتاب نامه‌های محمد قزوینی به محمدعلی فروغی و عباس اقبال آشتیانی، به کوشش ایرج افشار و نادر مقلبی کاشانی، تهران، طهوری، ۱۳۹۴، ص ۱۸-۲۱. حبیب یغمایی هم به جز و بحثهایی که بر سر مسائل ادبی میان آن دو درمی‌گرفته اشاره کرده است، در: «مصیبت عظیم»، یغما، سال دوم، شماره ۳، خرداد ۱۳۲۸، ص ۱۰۵. همچنین بنگرید به: نادره کاران، سوگنامه ناموران فرهنگی و ادبی (۱۳۰۴-۱۳۸۹)، ایرج افشار، زیر نظر بهرام، کوشیار و آرش افشار، به کوشش محمود نیکوبه، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ دوم، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۸۶-۸۸.

کتاب غزلیات سعدی بعد از ترجیعات، قطعات، رباعیات و مفردات سه بخش دیگر هم دارد. یکی ملحقات، مشتمل بر بیست و پنج غزل و بندی از ترجیعات که «در نسخ بسیار قدیم و معتبر نیست» و مأخذ بسیاری از آنها تنها یک نسخه خطی بوده است.^۱ دیگر ابیاتی از نه غزل که همه اصلی است و در موقع چاپ افتاده بوده و باید در متن قرار گیرد.^۲ سدیگر بخشی تحت عنوان «تجدید نظر»، متضمن نسخه بدل بعضی از ابیات که فروغی بعد از آخرین مقابله با نسخ خطی تصمیم به ضبطشان گرفته و در مواردی حتی ضبط نسخه بدل را بهتر از متن دیده است. این موارد اخیر می بایست در چاپهای بعد مطابق نظر فروغی به متن برده می شد.

فروغی در تصحیح مجلد غزلیات سعدی گذشته از آن نسخ خطی که پیش از این معرفی شد^۳ و جز نسخه های چاپی مختلف، سه نسخه زیر را هم در اختیار داشته و از دو تای اول استفاده بسیار کرده است.

۱. نسخه کلیات متعلق به محمد بن خراسانی (بزرگ نیا) که گلستان و بوستان و یک دهم بقیه کلیات را ندارد و رقم کاتب در بیان الرسالة فی العقل و العشق یا رسالة النطنزیه بدین عبارت آمده است:^۴ «وکتبه العبد عبد الصمد بن محمد بن محمود اصلح الله شانه و غفر له و لوالدی فی شهر رمضان احدی و عشرين و سبعمائه [۷۲۱]». از این رقم و از هیأت نسخه واضح می شود که بخش مفقوده این کلیات همان نسخه لرد گرینوی است که اکنون معرف حضور خوانندگان هست. فروغی درباره نسخه مورد بحث نوشته «در اعتبار و صحت و قدمت کتابت بی مانند و شاید در دنیا بی نظیر باشد. ... این نسخه

۱. کتاب حاضر، ص ۱۰۱۴-۱۰۲۷.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۰۲۸.

۳. مشخصاً از نسخه ملکی بزرگ زاد نام برده و درباره آن نوشته است: «این نسخه نفیس بیاض مانند ... تقریباً شامل یک نهم از غزلیات نیز هست و در این موقع که به تصحیح غزلیات دست بردیم از همان مقدار اندک استفاده بسیار کردیم و به صحت آن بیشتر مطمئن شدیم.» (کتاب حاضر، ص ۶۱۳).

۴. اگر رقم دیگری هم داشته، به زیر مجالس نقاشی ساختگی که در ادوار متأخر به نسخه افزوده اند رفته است. ۵. صفحه ۳۹۲ نسخه خطی.

بسیار معتبر و صحیح است و به قدری مورد توجّه و اعتماد ما بوده که در واقع آن را اصل و متن قرار داده‌ایم و اگر هم در مواردی از آن عدول کرده‌ایم و متن را به حاشیه برده‌ایم غالباً از آن به قدیمترین نسخه تعبیر شده است.^۱ نسخه دانش بزرگ‌نیا سالهاست که به شماره ۲۵۶۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.^۲

۲. نسخه کلیات متعلّق به بدیع‌الزمان فروزانفر که بوستان و قصاید فارسی را ندارد. فروغی درباره تاریخ کتابت آن اظهار صریحی نکرده است. از ویژگیهای این نسخه آن است که غزلیات را به ترتیب حرف اوّل هر غزل آورده است، بی آنکه حروف آخر غزل رعایت شود. از اینجا معلوم می‌شود که نسخه شماره ۸۵۱۵ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که سابقاً در تملک فروزانفر بوده است این نسخه نیست.

۳. نسخه متعلّق به کتابخانه حاج حسین ملک شامل دو سوم از غزلیات و قسمتی از قصاید عربی. تاریخ کتابت آن را ظاهرراً در اوایل قرن نهم نوشته شده و «از نسخ صحیح و معتبری است»^۳ که در دسترس فروغی بوده است.

دو سال دیگر طول کشید تا فروغی تمه کلیات شیخ شامل بر قصاید فارسی، مرثیاتی (اعمّ از ترجیع‌بند و قصیده)، قصاید عربی (به همراه غزلیات، قطعات و مفردات عربی)، غزلیات (در پند و اندرز)، مثلثات، قطعات و رباعیات و مثنویات و مفردات (در پند و اخلاق) و رسائل شش‌گانه نثر (نصیحة الملوك، رساله در عقل و عشق، رساله ملک اباقا یا رساله انکیانو، مجالس پنجگانه، تقریرات ثلاثه و ملحقات یعنی مقدمه بیستون بر کلیات و رساله در تقریر دیباجه) توسط کتابفروشی و چاپخانه بروخیم، ناشر سه مجلد قبلی، به طبع

۱. کتاب حاضر، ص ۶۱۱ و ۶۱۲. فروغی این نسخه را از اسفندماه ۱۳۱۵ در اختیار داشته است (بنگرید به تصویر سند ۲۱ در بخش پیوستها).

۲. بنگرید به مقاله‌ای از صاحب نسخه: «قدیمترین دیوان سعدی»، به قلم آقای بزرگ‌نیا، ارمغان، سال دهم، شماره ۵-۶، مرداد و شهریور ۱۳۰۸، ص ۳۷۷-۳۸۰.

۳. کتاب حاضر، ص ۶۱۴.

برسانند.^۱ او برای مجلد آخر عنوان مواعظ سعدی را برگزید، عنوانی که در نسخ خطی سابقه‌ای نداشت. فروغی در تنظیم این مجلد نیز قدری ترتیب توالی بعضی قسمت‌ها را عوض کرد. بعضی قسمت‌ها را هم تجزیه نمود و در قسمت‌های دیگر جای داد. مثلاً ملامعات را که معمولاً یکی از کتب بیست و دو یا سه گانه نسخ قدیمه کلیات است دو قسمت کرد و آنچه را غزل بود در ضمن غزلها و آنچه را ابیاتش بیش از حد غزل یا در نصیحت بود پس از قصاید عربی آورد.^۲ البته خوانندگان باید متوجه باشند که توالی کتب بیست و دو سه گانه کلیات در نسخ خطی همسان نیست سهل است، نسخ قدیمه این کتاب در تقسیم‌بندی، تعداد و تسمیه همین اجزاء نیز اختلافات آشکار دارند. به طوری که ممکن نیست بتوان از تدوینی که یک بار از زیر دست شاعر بیرون آمده و منتشر شده و حالا مصحح کلیات موظف است به آن نسخه مادر نزدیک شود صحبت کرد. پس بر نسل جوان محققان است که فوراً مجذوب خرده گیریهای محلی منتقدان، حتی اگر آن منتقد علامه‌ای چون مجتبی مینوی باشد، نگردند و تأمل کنند که در هر کدام مواجهه با چنین تشکی که در نسخ خطی اغلب ناقص کلیات سعدی هست شیوه محتاطانه‌تر و صحیح چه طریقی را ایجاب می‌کند. در میدان عمل هر مصححی ناگزیر از چنین تصرفاتی خواهد شد و البته ما نیز معتقدیم که سلیقه و بعضی تدابیر فروغی در این راه از احتیاط به دور بوده است.

فروغی به تصحیح و انتشار هزلیات (سه مجلس به نثر که حکایاتی به نام مضاحک به آنها افزوده شده)^۳ و خبیثات (حکایات و قطعات منظوم) رغبتی نشان نداد و با آنکه تقریباً یقین داشت که اینها از سعدی است چایشان را در جهت اهدافی که دنبال می‌کرد ندید و نشرشان را به حال جامعه مفید ندانست. بعد از فروغی نیز دیگر کسی به سراغ تصحیح

۱. مقدمه این مجلد در مهر ماه ۱۳۲۰ نوشته شده است.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۰۴۵. درباره تجزیه رساله صاحبیه بنگرید به: «رساله صاحبیه از شیخ اجل سعدی شیرازی در نصیحت ارباب مملکت»، ص ۲۶.

۳. مطابق نظر فروغی (کتاب حاضر، ص ۱۰۵۰).

علمی این قسمت از مؤلفات سعدی نرفت و بدین ترتیب مقداری از آثار قلمی سعدی عملاً در بوته فراموشی افتاد.^۱

کتاب مواعظ سعدی هم مانند کتاب غزلیات سعدی یک بخش «ملحقات» دارد و آن مشتمل است بر چند قصیده و غزل عرفانی و قطعه که در هیچ یک از نسخه‌های قدیم و معتبر نیست و تنها در نسخ چاپی یا خطی جدید آمده است. فروغی این بخش را به جهت هرچه «تمامتر و کاملتر»^۲ شدن کلیاتی که به چاپ رسانیده تنظیم کرده است.

در تصحیح مجلد چهارم، از نسخه‌ای بیش از آنچه در تصحیح سه کتاب قبلی محل استفاده و رجوع بوده ذکر کرده است. ولی از بعضی اشارات فروغی در هر چهار مجلد معلوم می‌شود نسخ دیگری هم در اختیار داشته که چون اعتبارشان مورد تصدیق وی نبوده در تصحیح خود استفاده‌ای از آنها نکرده و نامی نبرده است.^۳

کتاب مواعظ با بخشی که «رسائل نثر» عنوان گرفته و مجدداً از صفحه ۱ شماره خورده است به پایان می‌رسد. در همان صفحه اول و به دنبال «رسائل نثر» این عبارت را افزوده‌اند: «که در آغاز کلیات شیخ سعدی قرار داده‌اند و منظور آن بوده تا در نسخی که کمی بعدتر یا همزمان با کتاب مواعظ با عنوان کلیات عرضه می‌شود، رسائل در جای درست خود صحافی گردد. شرح بسیار مختصری از این رسائل و درستی یا نادرستی انتساب آنها به سعدی در شروع این بخش آمده است.^۴

۱. من و دوستم پژمان فیروزبخش مدتی است که دست به کار تصحیح خیثات و مطایبات و مضاحکات و مجالس هزل شده‌ایم.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۰۴۹.

۳. مثلاً در مقدمه همین کتاب مواعظ (کتاب حاضر، ص ۱۰۵۱) از نسخه‌ای سخن می‌گویند که به ظن قوی اکنون به شماره ۱۱۳۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. رجوع شود به: «پراکنده‌های ایرانشناسی» (۱)، ۱. قصیده منسوب به سعدی در زبان شهرها، پژمان فیروزبخش، بخارا، شماره ۸۶، فروردین - اردیبهشت

۱۳۹۱، ص ۴۴۴-۴۴۷.

۴. کتاب حاضر، ص ۲.

در یادداشتهای روزانه فروغی از سالهای ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۹ اشارات جسته و گریخته‌ای درباره مجلدات سوم و چهارم کلیات هست.^۱ از جمله آنکه فروغی «در اشعار سعدی» با محمد قزوینی، که در آن ایام دیگر دوستی‌اش با فروغی را به دشمنی نیمه‌آشکار و نیمه‌پنهان بدل کرده بود، مشورت می‌کرده است.^۲ از این یادداشتها همچنین واضح می‌شود که فروغی همزمان با تصحیح غزلیات و مواعظ مشغول تدوین دو منتخب از گلستان و بوستان نیز بوده است. به عبارت دیگر، آنچه در این یادداشتها از قرارداد سعدی و درآمد ناشی از آن آمده راجع است به این دو کتاب: یکی منتخب بوستان و گلستان برای وزارت معارف که فقط گلستان آن تحت عنوان گلستان برای دبیرستانها (چاپخانه مجلس، ۱۳۱۹) به طبع رسیده،^۳ و دیگر کتابی احتمالاً مشابه که قراردادش با شرکت علمی بوده و لابد به واسطه درگذشت فروغی به ثمر نرسیده است.^۴ به شهادت یغمایی، فروغی هیچ دستمزدی برای تصحیح مجلدات چهارگانه کلیات سعدی نگرفته است.^۵ این مطلب از یادداشتهای روزانه وی نیز می‌آید، زیرا او عایدات هر سال را می‌نوشته و در دفترهای یادداشت سالهای ۱۳۱۸ و ۱۳۱۹ ذکر کرده که درآمد این چهار مجلد یا خود کلیات به میان نیامده است.

کتابفروشی بروخیم در سال ۱۳۲۰، یعنی یک سال پیش از درگذشت فروغی، مجلدات

۱. خاطرات محمدعلی فروغی، ص ۴۷۳، ۵۶۲، ۵۸۰. یادداشتهای سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ به دست نیامده است.

۲. خاطرات محمدعلی فروغی، ص ۵۶۶. قزوینی در مهرماه ۱۳۱۸ به ایران بازگشته بود (رجوع شود به خاطرات محمدعلی فروغی، ص ۵۲۸).

۳. این کتاب بیشتر حکایات گلستان را در بر دارد و انتخابهای نهایی فروغی را از ضبطهای مختلف اشعار و عبارات سعدی در گلستان باید در آن جست.

۴. درباره کتاب اخیر رجوع شود به: خاطرات محمدعلی فروغی، ص ۵۵۰، ۵۶۳، ۵۷۲، ۵۷۹، ۵۹۷، ۸۳۹، ۸۴۰. درباره کتاب اول نیز صفحات ۵۶۶، ۵۸۹، ۵۹۳، ۶۰۳، ۶۰۷، ۸۴۰ و ۸۴۲ خاطرات محمدعلی فروغی دیده شود.

۵. «سخنان حبیب یغمایی»، ص ۳۹. نیز رجوع شود به صفحه ۶۱۴ کتاب حاضر.

چهارگانه مؤلفات شیخ را با نظر فروغی یکجا صحافی کرد و زیر عنوان کلیات سعدی روانه بازار نمود. در این تدوین، چنانکه گفتیم، رسائل نثر از آخر مجلد چهارم، یعنی مواظ سعدی، برداشته و به آغاز کلیات منتقل شد. با اینکه کلیات سعدی به تصحیح فروغی در سالهای مختلف توسط ناشران متعدد حروفچینی شده و اغلب در هیأتی جدید تجدید طبع گردیده به سبب اغلاط و افتادگیهای فراوان این چاپها در میان اهل فضل تنها همین چاپ ۱۳۲۰ بروخیم اعتبار دارد.

هیأت گزینش کتاب انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در سال ۱۳۸۹ تصویب کرد که کلیات سعدی طبع بروخیم عیناً در این انتشارات به چاپ برسد تا دوستداران و علاقه‌مندان این کتاب نایاب از آن بهره‌یاب شوند. با درگذشت سرپرست دانشمند انتشارات، استاد ایرج افشار در اسفندماه همان سال، این کار صورت انجام نپذیرفت و همین طور ماند تا اکنون که به همراه این کتاب با افزودن چند پیوست، به طریق افست مجدداً به معرض انتشار گذاشته می‌شود. بالا تر گفته شد که تصحیح کلیات سعدی هنوز تمام نیست و جای کار بسیار هست. مع الوصف، فعلاً این چاپ بیش از هشتاد سال است که مرجعیت خود را حفظ کرده است. دقتها و ملاحظات عالمانه فروغی در آینده می‌تواند راهنمای اهل تحقیق در تکمیل و تصحیح این اثر دلربا و یگانه ایرانیان باشد. یاد ذکاءالملک فروغی و همکارش استاد حبیب یغمایی و علی اصغر خان حکمت وزیر دانش دوست معارف آن وقت که فراهم آورنده اسباب تصحیح این کتاب بود و یوحنا بروخیم نخستین ناشر کتاب گرامی و جاوید باد که جملگی با یتیمی پاک به نشر این کتاب دست یازیدند.

چون قصد داشتیم کتاب عیناً و بی هیچ تغییری در دسترس خوانندگان قرار گیرد غلط‌نامه‌ها و سقطات و تجدید نظرها در همان جای اولیه اصلی آمده^۱ و بر خوانندگان

۱. کتاب حاضر، به ترتیب در صفحات ۳۲۴، ۶۰۰، ۱۰۳۹-۱۰۴۰، ۱۲۹۱ (غلط‌نامه‌ها) و ۱۰۲۸، ۱۰۳۰-۱۰۳۲، ۱۲۸۳-۱۲۸۴ (سقطات و تجدید نظرها).

است که پیش از مطالعه آن اغلاط را در نسخه خود اصلاح کنند و در هنگام خواندن گلستان به نسخه‌بدل‌های دو نسخه لرد گرینوی و کتابخانه دیوان هند که در پایان آن کتاب آمده توجه داشته باشند. فهرس نام‌های خاص و شرح بعضی از لغات دشوار هر مجلد در پایان همان مجلد آمده است، همان طور که در اصل بود. تنها تصرف ما در چاپ حاضر افزودن صفحه‌شمار پیاپی در پای هر صفحه است، بدین نیت که محققان بتوانند به آسانی بدان ارجاع دهند. زیرا در چاپ اصلی با اینکه هر چهار کتاب یکجا صحافی شده هر کدام صفحه‌شماری مستقل دارد که البته آن هم در این چاپ حفظ شده است.

به دنبال این مقدمه سه پیوست آورده شده. یکی فهرست نسخ خطی مبنای تصحیح فروغی به ترتیب تاریخ کتابت و با ذکر اختصار هر یک در این تصحیح (اگر اختصاری برایشان تعیین شده باشد). دیگر نمونه‌ای چند از تصاویر تعدادی از همین نسخه‌های خطی تا خوانندگان ذهنیتی از کیفیت خط‌نویس پیدا کنند و سدیگر منتخبی از اسناد وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، مرتبط با امور چاپ و کتابخانه گلستان و بوستان، که در سازمان اسناد ملی ایران محفوظ است و ما در این مقدمه گامی از بعضی از آنها استناد جسته‌ایم. می‌خواستیم دو نوشته دیگر از فروغی یعنی سرآغازی که بر سعدی‌نامه نوشته^۱ و مقدمه کتاب گلستان برای دبیرستانها را هم در جزء پیوستها بیاوریم تا مکمل مقدمه‌های فروغی بر مجلدات چهارگانه کلیات و نموداری از اندیشه‌های فروغی درباره افصح المتکلمین سعدی شیرازی باشد، اما حجم کتاب همین حالا هم بیش از حد متعارف است. پس خوانندگان جوان و دارندگان این کتاب را به خواندن آن مقالات نیز دعوت می‌کنیم.

محمد افشین وفایی

تهران، باغ موقوفات دکتر محمود افشار

۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. «برنامه ادای تکلیف نسبت به شیخ سعدی»، تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، ص ۶۱۹-۶۲۴.